

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی
سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۳۴-۱۰۵

جُستاری در شرح احوال و بررسی دیوان قاضی نظام هروی^۱

دکتر سید امیر جهادی^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر علی جهانشاهی افشار^۳

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

دورهٔ تیموری از اعصار مهم ادب فارسی است. در این دوره سلطان حسین بایقرا و وزیر هنردوست و ادب‌پرورش، امیر علیشیر نوایی، شهر هرات را به مأمنی برای خیل عظیم شعرا، ادبا و هنرمندان بدل می‌کنند. در نتیجه شعر و ادب، نگارگری و خوش‌نویسی در این مقطع تاریخی رو به ترقی می‌گذارد. از برخورداران این خوان گستردهٔ فضل و احسان، می‌توان از قاضی نظام‌الدین هروی نام برد که از اعلام برجستهٔ عصر تیموری و در شمار ستاینندگان امیر علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقراست. شهرت وی در مرتبهٔ اوّل، از منظر اشتغال به منصب قضاوت و در وهلهٔ ثانی به شعر و شاعری است. از قاضی نظام هروی فقط دیوانی باقی مانده که تاکنون به حلیهٔ تصحیح و طبع آراسته نشده‌است و حائز ارزش‌های ادبی و

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۴

- تاریخ وصول: ۹۵/۴/۹

jahadi@uk.ac.ir -

ajahanshahiafshar@gmail.com -

تاریخی بسیار است که از خلال آن می‌توان به شخصیت ادبی والای سراینده آن پی برد. نگارندگان در این نوشتار برآنند که ضمن شناساندن قاضی نظام هروی، به بررسی متن‌شناسانه و تحلیل نکات بارز کلام او نیز بپردازند. بررسی کلام نظام هروی نشان‌دهنده آن است که او از سراینده‌گان مقید به سنت‌های ادبی پیشین، خصوصاً مکتب‌های ادبی قرن ششم و به‌ویژه اصفهان و آذربایجان بوده‌است و همواره در صدد پیروی از بزرگانی چون کمال‌الدین اسماعیل، خاقانی، ظهیر و سلمان ساوجی است. از این رو کلام و نظام هروی رنگ تصنع، مفاخره و تقلید از متقدمان را به خود گرفته‌است.

واژه‌های کلیدی

قاضی نظام هروی، عصر تیموری، دیوان نظام هروی، تصحیح، نسخه خطی

۱- مقدمه

دوره تیموری که در تاریخ ادبیات به قرن نهم و عصر جانشینان تیمور اطلاق می‌شود، در حکم آرامشی پس از حملات ویرانگر تیمور لنگ است. در این عصر، نوادگان تیمور که خود بعضاً اهل هنر و ادب هستند از دانشمندان و ادبا حمایت می‌کنند و هرات علاوه بر مرکزیت سیاسی، محوریت ادبی و فرهنگی نیز می‌یابد. «درست است که عهد مورد بحث ما از حیث ثبات پادشاهی‌ها چندان دوره خوبی نبود اما از باب ارزش خدمات پادشاهان و شاهزادگان و امرا و رجال، مسلماً یکی از دوره‌های بسیار مهم و پرثمر بوده است...» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۲۴/۴) سلطان حسین بایقرا آخرین پادشاه عصر تیموری است که مدتی طولانی در شرق ایران حکومت کرد. بایقرا در محرم ۸۴۲ هـ ق. در شمال شرقی شهر هرات و در محلی به نام دولت‌خانه چشم به جهان گشود (میرخواند، ۱۳۳۹: ۸/۷) و در سال ۸۷۵ با شکست دادن یادگار محمد، «مدت نسبتاً طولانی در خراسان و جرجان و گاه تا قسمتی از

ماوراءالنهر حکومت داشت و در شهر هرات مستقر بود و بر اثر توجهات خاصی که به اهل علم و ادب و هنر داشت بر رونق آن شهر بیش از پیش افزود و عمارات مختلف بنا نهاد، چنان که عهد سلطنت او را یکی از ادوار بسیار مهم از باب مرکزیت علمی و ادبی و هنری شهر هرات می‌توان شمرد و عده کثیری از شاعران و مورخان و مؤلفان معروف در این مرکز در ظلّ عنایت سلطان حسین میرزا مجتمع و از توجهات او برخوردار بودند» (صفا، ۱۳۷۸: ۹-۱۰/۴). سلطان حسین در طول حکومت سی و شش ساله‌اش از هم‌نشینی و مشاوره امیرعلیشیر نوایی برخوردار بود. خواندمیر در خلاصه الاخبار به ذکر نمونه‌های مختلفی از مدرسه، مصلی، خانقاه، دارالشفاء و جز آن در هرات و سایر مناطق خراسان می‌پردازد که همگی در زمان حسین بایقرا و با حمایت‌های وی بنا گردیده است (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۲۰۰-۱۸۳). عصر او درخشان‌ترین دوره تمدنی زمامداری تیموریان است؛ «خود او مردی فاضل و شاعر بود و در گردآوردن فضلا و اهل هنر در دستگاه خویش جدی بلیغ داشت و مدرسه و کتابخانه بزرگی در هرات برای طلاب علوم درست کرده بود که تا آن زمان نظیر آن را کسی ندیده بود» (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۸۴۷). او در شعر «حسینی تخلص می‌کرد و دیوان شعر ترکی وی به طبع رسیده است...» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۳۲/۴).

از رجال بسیار تأثیرگذار دیگر در عرصه فرهنگ و ادب عصر تیموری، امیرعلیشیر نوایی است که «... سالیان دراز سیمت مشاورت و صدارت سلطان حسین میرزای بایقرا آخرین پادشاه مقتدر تیموری را داشته است» (نظامی، ۱۳۴۲: ۱/یک). نوایی «شاعر و نویسنده ذولسانین (ترکی و فارسی) و صاحب خیرات و مبرات بسیار، ادیب و مشوق بزرگ ادبا و شعرای زمان بود» (صفا، ۱۳۷۸: ۳۸۲/۴). وی از همدرسان و مصاحبان سلطان حسین بایقرا بود و در اوایل به قدرت رسیدن سلطان حسین به خدمت او درآمد و به همراه او به سمرقند رفت و هنگامی که سلطان در هرات استقرار یافت «منصب امارت دیوان اعلی» (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۱۰۶-۱۰۹) را بدو مَفوض کرد. نوایی در کمال عزت و احترام در خدمت سلطان حسین میرزا به سر برد تا در سال ۹۰۶ رحلت کرد. از آثار وی می‌توان به دیوان اشعار

فارسی با تخلص فانی، دیوان اشعار ترکی با تخلص نوایی، خمسه‌ای به ترکی، مجالس النفایس به ترکی اشاره کرد (صفا، ۱۳۷۸: ۳۸۵/۴).

۱-۱- بیان مسأله

قاضی نظام هروی از اعلام عصر تیموری است که از وی به اختصار در منابع متقدم یاد شده است. در معدودی از آثار متأخر نیز صرفاً به ذکر نامی از او بسنده شده است. بدین جهت در این نوشتار نویسندگان سعی دارند تا اولاً با توجه به منابع قدیم و اخیر، شرح حالی از این شاعر دوره تیموری ارائه دهند و ثانیاً تحلیلی جامع به لحاظ متن‌شناسی و بررسی سبکی از دیوان وی بیان کنند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

آثار و نیز شخصیت بسیاری از معاریف دوره تیموری تاکنون محور بررسی‌های پژوهندگان قرار گرفته است اما خاطر نشان می‌سازد که در باب قاضی نظام هروی و آثار وی پژوهش جامع و مفصلی انجام نشده است.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

امر تصحیح و احیای متون کهن علاوه بر ستردن غبار اعصار از چهره متون کهن، به طبع و انتشار نسخ پیراسته و انتقادی این آثار منجر می‌شود و دسترسی قاطبه پژوهشگران را به این گنجینه‌های کهن فراهم می‌نماید. علاوه بر این شناختن هر یک از بزرگان پیشین هم به لحاظ تاریخی و هم از بابت ادبی به شناخت و درک بهتر از روزگار آنها می‌انجامد. لذا نگارندگان با تکیه بر این مهم، بر آن شدند تا در این نوشتار به بحث و بررسی درباره یکی از اعلام نسبتاً ناشناخته عصر تیموری و اثر او بپردازند.

۲- بحث

۲-۱- شرح احوال نظام هروی:

قاضی نظام‌الدین هراتی (هروی) یکی از بزرگان عصر تیموری است که در دستگاه حکومت

تیموریان و تحت حمایت امیر علیشیر نوایی پرورش یافته است. در خصوص احوال و زندگی قاضی نظام‌الدین اطلاع چندانی در دست نیست و تنها برخی کتب تاریخی متقدم و تذکره‌ها به ذکر مختصری از شرح زندگی و احوال وی اکتفا کرده‌اند. در منابع متأخر مطالب چندانی درباره وی ذکر نشده است.

از ابتدای احوال، زمان تولد و نیز احوال خانوادگی، تحصیلات و سفرهای وی اطلاعی نیست. پدرش مولانا شرف‌الدین حاجی محمد فراهی از بزرگان روزگار میرزا ابوالقاسم بابر است. قاضی نظام‌الدین استاد شماری از مدارس علمیّه و قاضی شهر هرات است. مناصب قضاوت را سلطان حسین بایقرا بدو مفوض کرده است. غالب منابع به زهد، پارسایی و دادگری نظام هروی در قضاوت اشاره کرده، به بُعد ادبی شخصیت وی کمتر پرداخته‌اند. در مجالس النفایس، توجه بسیار نظام هروی به صنف معما ذکر شده است (نوایی، ۱۳۶۳: ۶۰۹؛ شگفته، ۱۳۸۷: ۱۰۲) در باب اعتقادات شاعر باید متذکر شد که شاعر همواره از بزرگان تشیع با احترام یاد و گاه اندیشه‌های شیعی را در خلال کلامش درج کرده است. شایان ذکر آن‌که از مطاوی دیوان نظام هروی مطالبی که ناظر به زندگی و احوال شاعر باشد مستفاد نمی‌شود. سال‌مرگ نظام هروی در همه منابع متقدم ۹۰۰ قمری ذکر شده است. در ادامه شرح احوال قاضی نظام‌الدین هروی که در منابع متقدم آمده است، نقل می‌شود:

در روضه الصفا و به تبع آن در حبيب السیر چنین آورده شده است: «قاضی نظام‌الدین محمد ولد مولانا شرف‌الدین حاجی محمد فراهی بود و مولانا حاجی محمد در سلک اعظم فقهای زمان میرزا ابوالقاسم بابر انتظام داشت اما قاضی نظام‌الدین به مزید زهد و تقوی و مهارت در امر درس و فتوی بر اکثر علمای ایام دولت خاقان منصور فایق بود، مدت مدید در مدرسه اخلاصیه و مدرسه غیاثیه به مراسم تدریس قیام می‌نمود و چون از آن منصب استعفا فرمود، آن جناب را خاقان منصور به تکلیف موفور قاضی دارالسلطنه هرات گردانید و قاضی نظام‌الدین بر وجهی در فیصل قضایا و قطع و فصل مهمات شرعیه طریق

اجتهاد مسلوک داشت که قصه امانت و دیانت شریح قاضی منسوخ شد. وفات قاضی نظام‌الدین در ماه محرّم الحرام سنه تسعمائه دست داد. راقم حروف را نظم این رباعی در تاریخ آن واقعه اتفاق افتاد. قطعه:

آن کس که شریعت به نظام از وی شد از حکم قضا سجد عمرش طی شد
از صفحه دل چو محو شد نام نظام توضیح پذیرفت که فانی کی شد»

(خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۴۰/۴؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۶۹/۷-۲۶۸)

در تذکره عرفات العاشعین و عرصات العارفین نیز چنین نوشته شده است: «مترجم مجالس النفایس آورده که اشرف العلماء، قاضی نظام‌الدین از دانشمندان مسلم خراسان است و مدت‌ها بر مسند قضا در هرات ساکن و متمکن بود و این مهم را کسی در این عصر به ملاحظه او نکرده، در زمان امیر علی شیر مرتکب شعر نبود و از نتایج طبع اوست:

به دور روی توام بت پرست می‌گویند چه گویم ای بت من هر چه هست می‌گویند»

(اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸: ۶/ ۳۸۹۸-۳۸۹۷)

در مجلس چهارم از مجالس النفایس نیز درباره قاضی نظام‌الدین به اختصار سخن رفته است: «۲۸۲- سید اختیار - جوانی خوش طبع و خوش طور است و در محلی که مولانا نظام‌الدین بر مسند قضا متمکن بود در محکمه قضا به تحریر سجلات و قبالات و مهمات شرح قیام و اقدام می‌نمود...» (نوایی، ۱۳۶۳: ۹۵).

در الذریعه الی تصانیف الشیعه نیز تصریح شده که نظام هر وی به شغل قضا مفوض شده است. سال مرگ وی نیز همانند سایر منابع تصریح شده است: «... و هو القاضی نظام‌الدین، نسیبه السلطان حسین بایقرا قاضیاً لهرات و توفی ۹۰۰...» (آقابزرگ، بی‌تا، ۴/۹: ۱۲۰۶).

در تاریخ راقم نیز آمده که «قاضی نظام‌الدین ابن مولانا شرف‌الدین ابن حاجی محمد فراهی است. مولانا شرف‌الدین در سلک علمای کرام ابوالقاسم بابر میرزا انتظام داشت. گویند قاضی نظام‌الدین در زمان سلطنت سلطان حسین میرزا در مسند قضای ولایت هرات

متمکن بود. عدالت در زمان او به مرتبه‌ای بود که در دار المحکمه معدلش منافات بین التضاد مرتفع می‌گشت. در تاریخ ۹۰۰ سجدل حیاتش به حکم قاضی الحاجات به توقیع ممات موشح گردید و در مزار فیض آثار مقرب الحضرت الباری خواجه عبد الله انصاری مدفون گشت...» (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۷۴). در یکی دیگر از منابع متقدم عصر تیموری نیز پاره‌ای اطلاعات جنبی در خصوص نظام هروی مشهود است و از آن‌ها چنین بر می‌آید که وی از جلال و شکوه بسیاری داشته‌است: «قاضی نظام‌الدین علیه الرحمه و الغفران که اعلم العلما و افضی القضاة ولایت خراسان بوده‌اند، از ایشان منقول است که در بزرگی دستار و نفاست لباس و جودت و لطافت اسپ مبالغه بسیار می‌نموده‌اند...» (واصفی، ۱۳۴۹: ۱۵۲/۲). در منابع متأخر^۱ فقط مرحوم سعید نفیسی در کتاب «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی» به ذکر نامی از نظام هروی در کنار خیل عظیم سرایندگان عصر تیموری اکتفا کرده‌است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۳۴۸/۱).

۲-۲- آثار

تنها اثر باقی مانده از قاضی نظام‌الدین هراتی، دیوان اشعار اوست که تاکنون تصحیح و چاپ نشده‌است. از کلیات شعری قاضی نظام‌الدین تنها یک نسخه در کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی سابق) باقی مانده‌است. به رغم جستجوی بسیار نگارندگان، یافتن نسخه دیگری از این اثر میسر نشد. نسخه حاضر به شکلی مذهب و مرصع و همراه با مینیاتورهای زیباست که از این حیث می‌توان آن را در شمار نسخه‌های هنری و آرایه‌ور دانست.

۲-۲-۱- معرفی نسخه

تنها نسخه باقی مانده از دیوان نظام هروی در کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی سابق) باقی مانده است. (درایتی، ۱۳۸۹: ۴۲۳/۵) اطلاعات مربوط به این نسخه در فهرست نسخ این کتابخانه بخش دیوان‌ها جلد ۲، صفحه ۱۲۵۲ آورده شده‌است. اثر به شماره ۲۱۹۰ ثبت شده‌است. کاتب این نسخه هنری «زین‌الدین محمود» و تاریخ کتابت نسخه سال ۹۰۷

هجری قمری است. ابعاد نسخه در قطع وزیری به اندازه‌های $29 \times 18/5$ سانتی‌متر است. کاغذ متن، سمرقندی نباتی رنگ و حواشی، ملون زرفشان و خط نسخه، نستعلیق کتابت خوب است. در این نسخه چهار مجلس مینیاتور آب و رنگ زیبا و ممتاز ترسیم شده که تعداد دو مینیاتور در صفحات قبل از شروع دیوان و دو مینیاتور در بدرقه کتاب طرح و نقش است، با حواشی مذهب مرصع ممتاز. این نسخه دارای ۲۱۱ صفحه ۱۳ سطری است.

۲-۲-۲- بررسی متن شناسی دیوان:

۲-۲-۲-۱- قوالب شعری

نظام هروی در اغلب قالب‌های شعری طبع آزمایی کرده‌است. بیشتر حجم دیوان شعر او، قصاید مطنطن طولانی و نسبتاً متصنع و تکلف‌آمیزی است که نظام هروی در آن‌ها به اقتفا و استقبال از قصیده‌سرایان بزرگ قرن ششم چون خاقانی، انوری، کمال اسماعیل، ظهیر فاریابی و... نظر داشته است؛ حتی با مفاخره خویش را از استادان متقدم برتر می‌شمارد. نکته شایان ذکر، تجدید مطلع‌های چندباره نظام هروی در ضمن قصاید است. آغازگر دیوان تعداد ۲۳ قصیده است و در ادامه تعدادی ترکیب‌بند طولانی در التزام به مدح امیر علیشیر نوایی آورده شده‌است. ترکیب بندهای بلند و زیبایی که گاه به جای بیت ترکیب از مصراع سود جسته‌است و گاه در قالب ترجیع‌بند همان مصراع را مکرر کرده‌است. در پایان دیوان نیز تعداد معدودی قطعه و رباعی زینت‌بخش کلام شاعر گشته‌است.

۲-۲-۲-۲- سبک شعر نظام هروی

در عصر تیموری «بازار شعر و شاعری رواج داشت و از هنر و ادب حمایت می‌شد... در دوره سلطان حسین بایقرا و وزارت امیر علیشیر نوایی، هرات مرکز ادبی شد. با همه این تشویق‌ها ادبیات پیشرفت نکرد زیرا زمینه‌های ژرف ساختی آن آسیب دیده بود... در نتیجه عمده کار کسانی که مایه و استعدادی داشتند، تقلید بود... معماً گویی (که شیوع آن از قرن هشتم است) هم رواج داشت. در دیوان شاعران این دوره متهم کردن دیگران به سرقت‌های

ادبی فراوان است...» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۵۷). سبک کلام ادبی نظام هروی نیز تابع ویژگی‌های بارز شعر در عصر تیموری است و از این لحاظ او را باید از تالیان و پیروان مقید سبک عراقی به خصوص شاعران قرن ششم دانست. نظام هروی در شیوه قصیده‌سرایی به اشعار بزرگانی چون انوری، کمال‌الدین اسماعیل، خاقانی و ظهیر فاریابی نظر دارد و در اغلب موارد حتی به استقبال و معارضه این استادان ادب فارسی رفته‌است و در مسیر تصنع و سخن دیرباب و دشوار گام نهاده و تا حدی کلام خویش را به شیوه سخنوری آن بزرگان نزدیک کرده‌است. توجه وافر نظام هروی به تجدید مطلع در قصاید به حدی است که حتی تا پنج مرتبه این کار را تکرار کرده‌است. با این همه نمی‌توان نظام هروی را یک مقلد صرف و نمونه‌بردار دست و پا بسته دانست که چیزی برای عرضه ندارد. نظام هروی در کنار این تتبع و الگوبرداری تا حدی به سبک شخصی خویش نیز دست یافته‌است و توانسته به اسلوب سبکی خویش در پرتو برخی نوآوری‌های زبانی و ادبی دست یابد.

آنچه که در دیوان نظام هروی به خصوص قصاید وی بارز و مشهود است، تعمّد شاعر در تصنع و زیور آرای کلام است به گونه‌ای که می‌توان آن را نوعی التزام دانست که در پرتو دانش شعری‌اش بدان نائل شده‌است.

یکی از جریان‌های خاص شعر در عصر تیموری، جریان شعر مصنوع و دیرباب است. آن هم از آن رو که چون جنبه نوآوری خاصی برای برخی از شاعران وجود نداشت، سعی داشتند که از راه صنعت‌گرایی، دانش ادبی و شعری خویش را به رخ افاضل، ادبا، اکفا و امرا بکشند.

۱- ویژگی‌های زبانی:

- **عربی‌گرایی:** کاربرد زیاد واژه‌های عربی از جمله مختصات بارز در کلام شاعر است. اغلب واژه‌های عربی، کلمات دخیل و پرکاربردند و تعداد کمتری واژه‌های نادر و غریب الاستعمال‌اند که شاعر به قصد مفاخره و اظهار فضل از آن‌ها بهره جسته‌است، نظیر امل،

رشحه، اضل، زلل، جُعل، وحل، سده، محتبس، داب، ازکیا، هبا، مطّلا، وطا، عدیم المثل، ظلیل، سلّم، احصا، عظم رمیم و... برخی واژه‌های عربی از جمله افعال، گاه در محلّ قافیه نشسته‌اند مانند یعمل.

- کاربرد اصطلاحات علوم و فنون (طبی و نجومی و فقهی) در شعر نظام هروی، اولاً نشانگر آگاهی شاعر بر علوم متداول عصر بوده‌است و ثانیاً این خود نوعی تعمّد در تصنّع و تتبع از گویندگان زبردست پیشین است. پاره‌ای از اصطلاحات به کار رفته در شعر نظام هروی به‌قرار ذیل است:

رمد، مهمل، محلّل، جبهه، سده، حدود، جواز و ...

محلّلی به من زار ناتوان فرما که سده مرض جهل من شود منحل
(۹۹۵۳ ب)

غبار جبهه افتادگان فرش درت به دفع درد سر معصیت بود صندل
(۹۹۵۳ ب)

- ابیات ملمّع: پاره‌ای از ابیات دیوان ملمّع‌اند و این نیز یکی از جلوه‌گاه‌های فضل و مفاخره شاعر به حساب می‌آید. در بیشتر شواهد، مصراع ملمّع بیان اوصاف و محامد ممدوح است:

سلطان بی‌بدیل و شهنشاه بی‌عدیل ذی الفضل و الكرامه و الفرد و العلا
(۹۹۴۸ ب)

شفیع المذنبین ختم الرّسل خیر الوری یعنی نبی امّی دانا امام مسجد الاقصی
(۹۹۴۰ آ)

- کاربرد واژه عینک: استعمال واژه عینک در مفهوم طبی و جدید آن با توجه به جستجوی نویسندگان در شعر فارسی، تقریباً از سبک هندی و در شعر شعرای عصر صفوی چون صائب تبریزی و واعظ قزوینی آغاز می‌شود. شایان توجه است که این کلمه در همان

معنی طَبّی در دیوان نظام هروی به کار رفته است. از این حیث می توان گفت که متقدم ترین کاربرد این واژه در مفهوم طَبّی در شعر دوره تیموری است:

بر تیره بخت تقویت اختر و سپهر
مانند عینکی است که بر دیده عماست
(۱۹۹۱آ)

سیه روزی گرت روزی شود نالش مکن ز اختر
نیابد بهره از عینک چو باشد چشم نابینا
(۹۹۴۲ب)

بدان طریقه که عینک مقوی بصر است
ستاره روشنی افزای کارشان بادا
(۱۹۸۳آ)

- کاربرد واژه های کهن نظیر زغال، گزلك، سمند، پدram، کوتوال و... نیز در شمار ویژگی های زبانی شعر نظام هروی است.

بدو بدین دو سه روزی که دور دیده تو را
کشیده تیغ تعدای زمانه پدram
تقدیر در بدایت فطرت دوام را
(۱۹۹۰آ)

بر حصن سرفرازی او کوتوال یافت
(۹۹۰۰ب)

۲- ویژگی های معنایی:

- مدح نبی در شمار پر بسامدترین معانی به کار برده شده در اشعار نظام هروی است، به نحوی که گاه برخی قصاید به صورت کامل و با زبانی فخیم بدین موضوع مختص گشته است:

رسول کافئه خلق و ختم خیل رُسل
شرف مکه و بطحاء، معز دین و دول
شفیع خیل خلایق به عرضگاه نشور
امین مخزن اسرار پادشاه ازل
(۹۹۵۴ب)

- کثرت اندیشه های شیعی و شیعی گرایبی از مختصات پایان عصر تیموری است و در کلام نظام هروی نیز نمود یافته است. در زمره این عقاید، اعتقاد به شفاعت است:

نیارود گنه خلق ذره‌ای به حساب گه شفاعت او حاسب فمّن یعمل
(۱۹۹۵۳آ)

مرضای جرم را که امید شفا از اوست روز جزا شفاعت او سر به سر شفاست
(۱۹۹۵۰آ)

- مدح امام علی (ع) نیز در زمره اندیشه‌های شیعی نمود یافته در کلام نظام هروی است که با صدقی برخاسته از دل و عمق جان همراه است:

آمد فرو چو زهره زاهر کز امر حق نازل شد از رواق فلک بهر مرتضا
این قدر نیز یافت علی کز پی بتان اندر حریم کعبه به کتفش نهاد پا
نخل ریاض و عزّ و گل باغ لو کشف درّی برج فضل و در درج لافتا
شاه نجف، امیر عرب، خسرو عجم کان هنر، محیط کرم، معدن سخا
حبّ متابعتش بودت باعث نجات شمع هدایتش بودت هادی هدا
(۱۹۹۴۶آ)

- مدح امام رضا (ع) نیز در شمار گرایش‌های شیعی متجلی در سخن نظام هروی است:
امام مفترض الطاعه پیشوای امم شفیع خلق علی بن موسی جعفر
ملاذ خیل خلایق به عرصه عرصات امین مخزن اسرار خالق اکبر
(۹۹۴۶ب)

- ناپایداری زمانه و دنیاستیزی از مضامین کثیرالاستعمال در دیوان شاعر است. البته صدق و سوز و گدازی که برخاسته از نهاد سوخته گوینده باشد در این میان حلقه مفقوده است. بیشتر این اشعار، یادآور زهدیات خاقانی و سنایی است. گویا نظام هروی در این حیظه بلاواسطه ناظر به کلام متقدمان است:

کوشش چرا کنی پی تغییر حال خویش گر نیستی بر آن که قضا تابع رضاست
کوی سلامت ار طلبی دل چو اهل ترک خالی کن از هوا که بسی فتنه در هواست
(۱۹۹۵۲آ)

خون شفق گواست که بر بستر جفا هر شامگاه مادر ایام فتنه‌زاست
آخر ز باد حادثه گردد خلل‌پذیر گر قصر خسروی است و گر کلبه‌گداست
(۱۹۹۵۲)

- در زهد و فقر و قناعت:

آن را که مُلک فقر و قناعت مسلّم است بی منت سپه به سر خویش پادشاست
در زیر ران به سان نبی کش براق فقر زین پایه حسیض گرت میل ارتقااست
(۹۹۵۱ ب)

- تتبع از مفاهیم شعری متقدمان خصوصاً زهد و به‌ویژه زهدیات خاقانی، از درون‌مایه‌های
پر تکرار دیوان نظام هروی است که با توجه به روال تاریخی عصر تیموری و ویرانی
بنیادهای اخلاقی و اجتماعی، حاکی از واقعیت حاکم بر جامعه است:

چو مرغ خانگی زین توده خاکی چه می‌جویی وطن در قلّه قاف قناعت ساز چون عنقا
پی چاک گریبان دوختن عارف ز بام چرخ فرود آرد به مغناطیس همت سوزن عیسی
ز باد آستین کان برفشانند گاه وجد انجم شود زیر و زبر چون ذره بر گردون مستعلا
به طور معرفت برق ضمیر وحدت اندیشش برآرد دود غیرت از نهاد آتش موسی
(۱۹۹۴۲)

- در نکوهش بزرگان و شکوه از بی‌رونقی بازار فضل: این مضمون به واسطه بخل
ممدوحان لئیم و کسادى بازار علم و ادب مکرراً بیان شده‌است:

یارب چه شد که اهل هنر را چو خاک راه سازند پایمال بزرگان این ولا
(۹۹۴۶ ب)

- برخی باورها و عقاید عامیانه و نجومی در شعر نظام هروی نمود یافته‌است. از جمله
موارد ذیل حائز ذکرند:

- تعبیر خواب: در بیت زیر با توجه به دانش خواب‌گزاری، سیم و زر به غم و اندوه
تعبیر شده‌است:

بودی اگر نکو زر و سیم ای حریرِ مال سیمت به خواب رنج نبودی زرت عنا
(۹۹۴۸ آ)

- از بین بردن شکل تربیع، از جمله باورهای عامّه در باب کتابت و دبیری است که نحس و نامبارک پنداشته شده است. کاتبان برای این که حصول مراد و مقصودِ مکتوب، زودتر مقرون به اجابت شود، یکی از گوشه‌های نامه را بریده، یا تا می‌زدند. موفق مجدی مصنّف «مصباح الرسایل و مفتاح الفضایل» نیز در این خصوص آورده است که: «از دو گوشه آخرین مکتوب یکی گوشه دور کند تا به جای تربیع که از اتصالات منحوس است، تثلیث که اتصال سعد دارد، عوض مانده باشد» (موفق محمد مجدی، بی تا: ۹۳).

ز طرف نامه قدرت که مقراضش عطار کرد شد آن شب بر فلک پیدا هلال روشن غرّاً
(۹۹۴۰ ب)

- نعل در آتش افکندن، از جمله باورهای خرافی است که برای عاشق ساختن دیگری بر عامل این فعل، انجام می‌شده است:

نعل در آتش پی دل بردنم انداخته چون که لعل دل فریبت زخم دندان یافته
(۹۹۳۶ آ)

- منشأ احجار کریمه:

زان که اصل لعل سنگی بوده اول بعد از آن اشتهار از تابش خورشید تابان یافته
(۹۹۳۵ آ)

- قصب و ماهتاب:

نیست عجب گر کند نوبت اقبال تو تار قصب را مدد شعشعۀ ماهتاب
(۹۹۲۶ ب)

- قمر در عقرب:

زان عقرب شبرنگ که مه منزل او شد بر جان من خسته دو صد نیشتر آمد
(۹۹۱۵ آ)

- **مفاخره** از پرکاربردترین مفاهیم شعری در شعر نظام هروی است. این درون‌مایه هم به لحاظ برتری‌طلبی شاعر بر اقران و هم از بابت اقتفا و تتبع اشعار خاقانی مکرر شده‌است. گاه این مفاخرات نه تنها متوجه اقران بلکه ناظر به سرایندگان چیره‌دستی نظیر خاقانی، ظهیر، سلمان و کمال‌الدین اصفهانی است:

مشکین دمی نظام و حسودت کسی که هست
مانند نافه مادرش از خطئه خطا
از بهر اختصار دهم تاب خیط نظم
کین شیوه بهتر است و بدین کردم اکتفا
(۱۹۹۴۵)

شها زان سان که ملک عالم آن تست چون خاقان
قلم را شد مرا ملک سخن مانند خاقانی
تویی همچون نبی صاحب سریر کشور عزت
منم بهر نثار تو به گوهرهای حسانی
امیدم آن‌که مستثنی شوم ز ابنای جنس خود
ز اقبال تو چون سلمان ولی کو بخت سلمانی
(۹۹۳۷ ب)

- در نکوهش حساد: این قبیل اشعار یادآور کلام خاقانی در مذمت حاسدان و دزدان سخن وی است. البته «در دیوان شاعران این دوره متهم کردن دیگران به سرقت‌های ادبی فراوان است...» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۵۷):

از بهر جذب لقمه مردار دنیوی
دو سیرتند جمله به صحرای ماجرا
بعضی به غفلتند پی التماس نفس
مانند گاو و خر همه مشغول با زنا
جمعی به طاعتند پی ازدیاد نفع
مانند لولیان معلّق زن از ریا
عمری ز ننگ سفره این سفله همتان
در گوشه [ای] نشسته توان بود ناشتا
(۱۹۹۴۵)

- **ممدوحان** نظام هروی سلطان حسن بایقرا و پس از آن امیر علیشیر نوایی‌اند. البته بیشتر مدایح دیوان به امیر علیشیر نوایی اختصاص یافته‌است:

به برج سعادت آفتاب کشور عزت
محیط گوهر شاهی شهنشا تیمور خانی
سکندر منزلت سلطان حسین غازی آن شاهی
که هستندش سلاطین در مقام بنده فرمایی
(۹۹۳۸ ب)

- مدح امیر علیشیر نوایی بیشترین حجم مدایح دیوان را در بر گرفته‌است:

امیر پادشاه سیرت علیشیر آفتاب فضل	که نگشودست و نگشاید کمر از خدمتش جوزا
موشح از کمالش منهی افلاک را دفتر	توارد با کلامش منشی تقدیر را انشا
به زیر منت جودش اگر اعلی اگر اسفل	غریق نعمت عامش اگر اضعف اگر اقوی
کشد گردون غبار درگهش در چشم عالم بین	نهد دوران کلاه غیرتش بر فرق فرقدسا

(۹۹۳۹ ب)

- ترک ادب شرعی در ضمن مدایح، یادآور مدایح اغراق‌آمیز قرن ششم است:

فریضه‌ای است دعایت در این سخن نبود	بدان نهج که سخن نیست در ادای نماز
همیشه تا که ز بیم ملالت سامع	سخن گذار نماید به نظم و نثر ایجاز
پی درازی عمر تو در دعا بادا	مدام اهل سخن را زبان سخن پرداز

(۹۹۴۳ ب)

- مدایح اغراق‌آمیز:

ای عدیم المثل سلطانی که گردون سال‌ها	جسته شبه ذات تو بیرون ز امکان یافته
مهر در ملک تو کرده تیغ بیرون صبحدم	از چه مغرب نماز شام زندان یافته
از پی رزمت سپر گردیده چرخ چنبری	دست قدرت از مه نو قبضه آن یافته
تا به نامت زر زند از شوشه سیم شهاب	شکل ماه منخسف را چرخ سندان یافته
سایه چتر رفیعت اوفتاده بر فلک	وان که از اخترشناسان نام کیوان یافته

(۹۹۳۶ ب)

- وصف می و خمیره در شمار توصیفات است که نظام هروی به آن‌ها توجه

داشته‌است. قصیده ذیل گونه‌ای خمیره متکلف است:

ساقی به جام زر نگر یاقوت حمرا ریخته	وز جرعه ساغر دگر جان در تن ما ریخته
فکر صبوح انگیخته وز می فتوح انگیخته	امداد روح انگیخته نقل مهنّا ریخته
از روی اخلاص آمده با باده خاص آمده	سرمست و رقاص آمده جان‌هاش در پا ریخته...

ز ابریق می با صد فرح بر هیات قوس قزح بهر صبحی در قدح یاقوت حمرا ریخته
پیش نظرها از برون بنموده چون یک قطره خون اندر بلورین جام چون لعل مصفاً ریخته
(۱۹۹۳۴)

- توصیفات پدیده‌های طبیعی نیز در دیوان نظام هروی طرح شده، توصیفات که به
اقتضای اوصاف مطمئن و تکلف بار شاعران آغاز سبک عراقی سروده شده‌است. وصف
شب:

از طره شب هر طرف مشک مطراً ریخته هر سو در این نیلی صدف لولوی لالا ریخته
نی نی پی جوف ملک در ساحت بزم فلک دست حواریون گزک بر خوان عیسی ریخته
دریای قیری موج زد وین طرفه کامد چون زبد سیمین حباب افزون ز حدّ بر روی دریا ریخته
روزست رومی در نسب گلچهره سیمین سلب بگشاده از سر موی شب بر جمله اعضا ریخته
چرخ از جنان دارد نشان بر وی عیان از کهکشان جویی ز شیر و اندران درهای یکتا ریخته
بنگر ز دور پر تعب کز خمره گلگون سلب شد خون روز از تیغ شب در طشت مینا ریخته
(۹۹۳۳ ب)

- وصف اسب در شعر نظام هروی یادآور این روئیه توصیفی در اشعار سرایندگان عرب
است:

در آن ساعت میان گرد دودآسای ظلمت گون شرر سان توسن آتش وشت باشد به رقص اندر
کمیت سرکش گیتی نورد چابک رعنا صبا رفتار صرصر تک بیابان گرد گه پیکر
به یک دیدن چو نور چشم طی سازد مسافت‌ها به یک ساعت خیال‌آسا بپیماید دو صد کشور
(۹۹۲۸ ب)

- معماً و چیستان از انواع ادبی پر طرفدار در میان شاعران عصر تیموری است. «از انواع
بسیار رایج شعر در این دوران معماست. ... در قرن نهم معماً از انواع بسیار متداول در شعر
فارسی و از وجوه اظهار مهارت و استادی در سخن گویی و یکی از طرق امتحان حدّت
ذهن و سرعت انتقال بود» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۹۳/۴). تا جایی که شاعران نامی این عصر چون

جامی، از این موضوع برکنار نیستند:

آن چیست که عَناب تر هر دم به صحرا ریخته
چون آتشش در تاب شد جان عدو سیماب شد
برگ چنارش چون به بر آورده اندر یک نظر
در صورت آن خضرا نما باشد چو برگ گندنا
ترکیش استاد هنر بهر مفاجا ریخته
لعل مذاب ناب شد بر خار و خارا ریخته
صد برگ گل رنگین و تر بر روی غبرا ریخته
لیکن ازو گاه و غا شد رنگ حنا ریخته
(۹۹۳۱آ)

۳- ویژگی‌های ادبی

شعر دوره تیموری از لحاظ ادبی و صناعات ادبی تقلیدی و متکلفانه است. «علاقه دسته‌ای از شعرای این عهد به تصنع و آرایشگری خیلی بیش از این بود و گروهی از این قوم، خاصه آنان که در قصیده مهارتی داشتند، دست شعرای متقدم را از پشت بستند! و عجب در آن است که هرچه تصنع شاعران در آن عهد بیشتر بود سخن‌شناسان زمان بدانان بیشتر به دیده احترام می‌نگریستند» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۷۳/۴-۱۷۲). شعر نظام هروی به واسطه روحیه برتری‌طلبی شاعر و اقتفای او از استادان گذشته شدیداً رنگ تصنع و تکلف به خود گرفته است تا جایی که یک دوره از آرایه‌های ادبی را می‌توان در کلام وی مرور کرد.

الف- حوزه بیان

در حیطه بیانی، کثیرالاستعمال‌ترین آرایه‌های بلاغی، تشبیه و استعاره و اقسام گوناگون آن‌هاست.

- تشبیه: این آرایه در انواع گوناگون و در بسامد بالا در شهر نظام نمود یافته‌است. نظام هروی اکثراً از تشبیهات مرکب سود جسته است. وجوه شبه نیز در غالب موارد مرکب است:

همچو خورشید سَماط انداز دست همّش خوان احسان در بسیط هفت کشور می‌کشد

(۹۸۹۶ب)

چرخ شد یک خیمه از اردوی جاهت وز شهاب
می کشد فرآش دوران هر طرف سیمین طناب
(۹۸۹۵آ)

- تشبیه مرکب:

جهنده گشت شعاع خور از کنار افق
بدان مثنابه که تیر از خم کمان برخاست
(۹۸۹۴آ)

پیوسته سائلان پی شکرانه نعم
آرند سجده اش چو انامل گه حساب
(۹۸۹۰ب)

- تشبیه تفضیل:

تو آن رفیع جنابی که نسر طایر چرخ
به زیر بام جلال تو مرغ شب پر شد
(۹۸۸۱آ)

بساط حاتمی از عرصه جهان شد طی
به بذل چون کف رادش بساط کمتر شد
(۹۸۸۲ب)

- کثرت اضافه های تشبیهی در کلام نظام هروی، خصیصه ای منحصر به فرد است:

که می کنند ز سیم شهاب شب همه شب
مذهبان قضا و قدر برو تحریر
(۹۸۹۲ب)

ز دیگ چرخ چو سرپوش شب قضا برداشت
ز تاب آتش خور سیمگون دخان برخاست
(۹۸۹۴آ)

- استعاره: در این قسم نظام غالباً به تصاویر شعرای پیشین نظر دارد، البته گاه ابداعات و تصاویر نابی نیز خلق کرده است:

به صانعی که نریزد فواکه انجم
ز فیض صنعت حفظش ازین نگون شده طاس
(۹۸۸۵ب)

به فر صنعت نقاش بی نظیر که کرد
نقوش نادره بر روی این کیود پرند
(۹۸۸۴ب)

-تشخیص: تشخیص عنصری ویژه در شعر فارسی است که در ادوار مختلف نظم کاربرد فراوانی داشته‌است. صنعت بیانی تشخیص در شعر نظام هروی، متمایل به پیچیدگی است:

حجره گردون پر از دود شب آمد و اختران تا سحر از دیدگان اشک شهاب انداختند
(۱۹۸۹۸آ)

خروش ابر معربد نگر که نرگس را صداع بر سر درد سر خمار آورد
(۹۸۹۳ب)

آسمان عزم او بر گرد گردون دایر است دست فکر از دامن جاه و جلالش قاصر است
(۱۹۸۹۶آ)

- کنایه: کاربرد تعبیرات کنایی در شعر نظام هروی از بسامد بالایی برخوردار است:

روز مهر از خاک راهت کیمیا اندوخته صبح ازین شادی کله بر آسمان انداخته
(۱۹۸۹۵آ)

تنور شعر چه تابم که چرخ نزدیک است برون کشد رگ جان از تنم چو موز خمیر
(۱۹۸۸۲آ)

ب- حوزه بدیع

آرایه‌های احصا شده ذیل این بخش در شمار پرکاربردترین صناعات ادبی متبلور در کلام شاعرند و به نوعی نمودار سبک شخصی نظام هروی محسوب می‌شوند.

- اقسام جناس: استعمال بالای جناس و اقسام آن در دیوان نظام، حاکی از توجه بسیار وی به هماهنگی و موسیقی اشعارش است:

- جناس اشتقاق:

به عقل و نقل بود خون دشمن تو حلال به ماه روز حریم ار کند به بیت حرام
(۱۹۹۰۱آ)

نفس اگر نه به نای گلو گره شودم برآرم از دل محنت کش نفور، نفیر
(۱۹۸۸۲آ)

- جناس مطرف:

وہ کہ ہرگز چرخ بی آرام رام من نگشت
در تمام عمر یک ساعت بہ کام من نگشت
(۱۹۸۹۷آ)

آن کہ بدخواہ تو را در خانہ رہ داد از وداد
گشتہ سرگردان بہ چاک سینہ مانند در است
(۹۸۹۶ب)

- جناس تام:

چین قبای جاہ جلال تو را ز عظم
صد ملک چین نہفتہ بود در شکنج چین
(۹۸۸۰ب)

- جناس قلب بعض:

دلش کہ بود ز لطف خزینہ آمال
ز گردش فلک آن شد بدیل با آلام
(۱۹۹۰۰آ)

بہ یاد بزم تو سوزد عدو بہ نار حریق
کہ رشح کاس تو رشک رحیق کوثر شد
(۱۹۸۸۱آ)

- موازنہ: اغلب سجع‌های مستعمل در اشعار نظام بہ صورت موازنہ نمود یافته‌اند. این خصیصہ بہ ہمراہ اوزان مناسب، آہنگ و ضربِ کلام را دو چندان ساختہ است:

صولت او میل کین در چشم اختر می کشد
دولت او انتقام از چرخ اخضر می کشد
(۱۹۸۹۶آ)

علو طارم افلاک پیش قدرش پست
شموس سرکش ایام نزد حکمش رام
(۹۹۰۲ب)

- واج آرایہ: این صنعت نشان دہندہ عمق توجہ شاعر بہ آراستن صوری سخن و آہنگین ساختن دیگر بارہ کلام است. واج آرایہ‌های موجود، دلالت‌ها و تداعی‌های معانی شگرف و نوآیینی را آفریدہ‌اند:

گر چہ در گرداب دوران هست سرگردان بسی
ہمچو من سرگشتہ حیران درین گرداب نیست
(۱۹۸۹۷آ)

چو چوب چنبر دف بهر چنگ مطرب غم / قدم ز آتش جور زمانه چنبر شد
(۹۸۸۱ ب)

- تصدیق نیز از صنایع لفظی پر بسامد در دیوان نظام هروی است:

کرد امثال حکم تو گردون و سرفراخت / چندین علو قدر از آن امثال یافت
(۹۸۹۹ ب)

شد پیاله بوتۀ اکسیر جان صوفی بنوش / باده صافی بین خاصیت اکسیر چیست
(۹۸۹۷ آ)

- **تتابع اضافات** در شمار ویژگی‌های نسبتاً پرکاربرد در اشعار نظام هروی است که باید آن را از مستحسنات لفظی بدیع در دیوان نظام هروی دانست. این مختصه غالباً در ضمن مدایح و هنگام برشمردن صفات ممدوح نمود و بروز می‌یابد:

ستاره حشمت گردون شکوه کوه رکاب / سحاب بخشش دریا عطای بحر نوال
(۹۹۲۵ ب)

ز اکسیر گرد توسن گردون نورد او / شد آفتاب بهره بر از فنّ کیمیا
(۹۹۴۷ ب)

خدّام قعر جاه تو را عمرها نثار (۹۹۵۰ ب) / فخر بشر، مباشر قلع قلاع شرک (۹۹۵۰ آ) /
تاج خروس جلوه‌گر مرغزار فقر (۹۹۴۸ آ).

- اشاره به نام شعرا نظیر خاقانی، ظهیر فاریابی، کمال‌الدین اسماعیل، سلمان ساوجی و ارزقی و البته لاف برتری بر آن‌ها زدن نیز تقریباً به میزان زیادی در اشعار وی به کار رفته است.

گر کنی بر من نظر باشم به فرّ مدحتت / خادم خود صد چو خاقانی و سلمان یافته
(۹۹۳۵ آ)

این بیت دل‌فریبم بر لوح جان نوشته / از گفته کمال است آن سحرسنج کامل
(۹۸۸۹ ب)

نظام هروی در موارد بسیار علاوه بر ذکر نام گویندگان کهن، تضمین و استقبال از قصاید و اشعار آن‌ها را سرلوحه کار خویش قرار داده است. «از اعمال دیگری که نزد شاعران قرن نهم و آغاز قرن دهم فراوان دیده می‌شود تقلید شاعرانست از گویندگان مقدم و یا حتی از معاصران. این تقلید به دو صورت در شعر جلوه کرده است: نخست تقلید از سبک و شیوه سخن‌گویی استادان مقدم و دوم جواب‌گویی یا استقبال اشعار پیشینیان بهمان وزن و قافیه‌ای که گفته شده بود» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۷۸/۴). استقبال از شاعران مقدم بیشتر متوجه شعر خاقانی است و قصایدی که نظام هروی بر همان وزن و قافیه قصاید حسان العجم سروده‌است. گاه نیز عیناً ابیاتی از اشعار شاعران چیره دست کهن در مطاوی کلام نظام هروی تضمین شده‌است. این مطلب نشان‌دهنده تعمق و ژرف اندیشی شاعر در ادبیات کهن است و از طرفی باید خاطر نشان ساخت که سایه تقلید و خیمه تصنع بر شعر او سنگینی می‌کند.

قصیده ذیل بر وزن و قافیه قصیده خاقانی به مطلع «در کام صبح از ناف شب مشک است عمدا ریخته / گردون هزاران نرگسه از سقف مینا ریخته» (خاقانی شروانی، ۱۳۸۲: ۳۷۷) سروده شده است:

ساقی به جام زر نگر یاقوت حمرا ریخته وز جرعه ساغر دگر جان در تن ما ریخته
(۹۹۳۴آ)

تضمین از ظهیر فاریابی:

آمد دو بیتم از سخنان ظهیر یاد تضمین همی کنم که کنون شد محل آن
از هر طرف که چشم نهی جلوه ظفر وز هر کران که گوش کنی مزده امان
ملکی چنین مقرر و حکم چنین مطاع دیرست تا زمانه نداد از کسی نشان
(۹۹۲۲آ)

- مقابله: از ویژگی‌های سبکی خاص نظام هروی در حوزه صناعات ادبی است که نمود فراوانی در قصاید شاعر داشته است:

روضهٔ خلد از ریاض لطف او یک گلشن است
عرصهٔ دوزخ ز نار قهر او یک گلخن است
(آ ۹۸۹۶)

با خلافت تشنگان را آب حیوان سوخته
با وفاقت خستگان را زهر قاتل ساخته
(آ ۹۸۹۵)

- تضاد:

بود صلاح و سداد تو زیب دانش و داد
بود رضا و خلاف تو اصل کون و فساد
(ب ۹۸۹۲)

خاک از رکاب حلم تو پیوسته با درنگ
باد از عنان عزم تو همواره با شتاب
(آ ۹۸۸۹)

- اغراق: آرایهٔ اغراق در شعر نظام هروی غالباً بر پایهٔ تشبیه و استعاره استوار شده‌است.

گرفته نور ز ماه جبین او خورشید
چنان‌که ماه ز خورشید نور گیرد وام
(آ ۹۹۰۲)

زهی جلال تو جایی که قصر جاهت را
اساس دایرهٔ چرخ حلقهٔ در شد
(ب ۹۸۸۲)

- حُسن تعلیل: این آرایه در سخن شاعر بیشتر جنبهٔ ادعائی دارد تا واقعی و حقیقی.

بدین سبب حسن تعلیل‌های به کار رفته در سخن از جنبهٔ استحسان بر خوردارند تا برهانی:

سرخ از شفق نگشت بناگوش ماه عید
دیرآمد از ادیب فلک گوشمال یافت
(ب ۹۹۰۰)

از پی نظارهٔ درگاه قدرش آفتاب
هر سحر خود را بر این فیروزه منظر می‌کشد
(ب ۹۸۹۶)

- تنسیق الصفات: صفات ذکر شده در قالب این صنعت بدیعی، اکثراً در توصیف

ممدوحان کاربرد پیدا کرده‌است و بیشتر از نوع مرگبند:

کریم طبع جهان داور هنرپرور
ستوده میر علیشیر اختیار کرام
(ب ۹۹۰۲)

مستجمع الفضایل مستحسن الخصایص محموده العواقب مرضیه الشامیل
(۹۸۸۹ ب)

- تلمیح و اشارات تاریخی به وفور در کلام نظام هروی به کار رفته است. در این میان پر
بسامدترین تلمیحات، اشارات مسیحی اند:

زین حضیض خاکدان کردند آهنگ عروج همچو عیسی پای همت بر سر دنیا زدند
(۹۸۹۸ ب)

به لطف عیسی مرضای جهل وقت یبا به قهر مهدی دجال کفر گاه جدل
(۹۹۵۴ ب)

- حرف‌گرایی: شاعر به این قسم بسیار توجه کرده است. در ابیات زیر خمیدگی دال و
راست قامتی الف، محملی برای تشبیه واقع شده است:

طاق‌بند قصر قدرت گشته معمار قضا قالب قوس قزح اینک برین حرف است دال
(۹۸۵۹ ب)

تا به گوشش گوید آن حرفی که می‌باید نهان راست گردد چون الف قدش که باشد همچو دال
(۹۸۵۹ ب)

- استثنای منقطع: از آرایه‌هایی است که ندرتاً شاعران بدان توجه می‌کنند. در کتب بدیعی
شاهد مثال این صنعت اکثراً از اشعار سعدی است. در نمونه‌های ذکر شده ذیل، شاعر
حکمی را در موضع استثناء به کار برده که میان آن و مستثنی منه ارتباط معقول و منطقی
دیده نمی‌شود:

ز بیم ضبط تو از سیم خلق کس ندهد خیر ز بیش و کم الا ترازوی مثقال
(۹۸۹۱ ب)

غریق مال بود جز طبیعتی که برش یکی بود نقط شعر و دانه‌های شعیر
(۹۸۸۲ آ)

- ایهام: ایهام از جمله آرایه‌هایی است که نمود چندانی در اشعار نظام نداشته است. با

وجود این، نمونه‌های زیبایی از کاربرد ایهام در دیوان شاعر مشهود است. در ابیات زیر کلمات آبی و رشته در موضع صنعت ایهام تناسب به کار رفته‌اند:

زمانه ریخته بود آب روی باغ ولی سحاب آمد و آبی به روی کار آورد
(۹۸۹۳آ)

بس کز خیال زلف تو پیچم به خویشتن کوتاه شدست رشته عمرم ز پیچ و تاب
(۹۸۹۰ب)

- لفّ و نشر غالباً به گونه مرتّب و در خلال مدایح در سخن شاعر کاربرد داشته‌است:

همی رسد به دیار محبّ و مبغض تو ز رأفت و سخطت قاصد بشیر و نذیر
(۹۸۸۳ب)

آن آفتاب برج جلالی که جرم ماه از عنف و لطف توست گهی غثّ و گه سمین
(۹۸۸۰ب)

۳- نتیجه

از ویژگی‌های عصر تیموری کثرت تعداد نویسندگان و سرایندگان است. قاضی نظام‌الدین هروی از معاریف این دوره در شهر هرات به قضاوت اشتغال داشته و در کنار آن به صورت جدی سرگرم شعر و شاعری و فراهم آوردن دیوانی به سبک قدما بوده‌است. تنها اثر وی دیوان اوست. از دیوان نظام هروی تنها نسخه‌ای هنری و آرایه‌ور در کتابخانه کاخ گلستان باقی مانده‌است که تنها ۷ سال پس از مرگ شاعر و در سال ۹۰۷ هـ. ق. کتابت شده‌است. با بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی دیوان در می‌یابیم که زبان شعر نظام هروی کاملاً تحت تأثیر شاعرانی چون خاقانی، کمال اسماعیل و ظهیر فاریابی است. دیگر آن‌که شاعر تعمداً کوشیده که سخن خویش را به مرزهای اشعار متقدمان نزدیک کند. به لحاظ محتوایی کلام او غالباً مدح بزرگان عصر چون سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی را شامل می‌شود. علاوه بر این، کثرت اندیشه‌های شیعی، ستایش حضرت رسول (ص)، مفاهیم زهد

آمیز و مفاخره‌های فراوان در شعر او خودنمایی می‌کند. در محور ادبی نیز در دیوان نظام هروی با یک دوره فنون بدیعی و بیانی مواجهیم و این از آن روست که در عصر تیموری گروهی از گویندگان تمایل بسیاری به شعر مصنوع دارند و در این راه از هیچ کوششی در آراستگی کلام فرو گذار نمی‌کنند.

پی نوشت‌ها

- ۱- مرحوم ایرج افشار نیز در مقاله «نسخه شناسی: مقام انجامه در نسخه» نیز به تنها نسخه دیوان نظام هروی اشاره کرده‌است (افشار، ۱۳۸۱: ۴۴ و ۷۰).
- ۲- ارجاعات به دیوان مطابق شماره تصاویر اسکن شده‌است و روی صفحات شماره‌ای ذکر نشده‌است.

منابع

- ۱- افشار، ایرج. (۱۳۸۱). نسخه شناسی: مقام انجامه در نسخه. مجله نامه بهارستان. بهار و تابستان. شماره ۵. ص.ص. ۱۰۰-۳۹.
- ۲- آقابزرگ طهرانی. (بی تا). الذریعة الی تصانیف الشیعة. القسم الرابع من الجزء التاسع: دیوان نائب-دیوان یونس. بیروت: دارالأضواء. الطبعة الثالثة.
- ۳- پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۴). تاریخ ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه. تهران: امیر کبیر.
- ۴- اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۸). تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفين. تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- ۵- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی نجّار. (۱۳۸۲). دیوان. به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی. تهران: زوآر.

- ۶- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۵۳). *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*. تصحیح محمد دبیر سیاقی. تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- ۷- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران: (دنا)*. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۸- راقم سمرقندی، میر سید شریف. (۱۳۸۰). *تاریخ راقم*. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۹- شگفته، صغری بانو. (۱۳۸۷). *شرح احوال و آثار فارسی امیر علی شیر نوایی متخلص به فانی*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۱۰- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: فردوس.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد ۴. تهران: فردوس.
- ۱۲- موفق بن محمد مجدی. (بی‌تا). *مصباح الرسایل و مفتاح الفضایل*. نسخه خطی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره: س ۳۲۸.
- ۱۳- میرخواند، محمد بن خاوندشاه. (۱۳۳۹). *تاریخ روضه الصفا*. تهران: انتشارات کتاب‌فروشی‌های مرکزی-خیام-پیروز.
- ۱۴- نظام هروی. (بی‌تا). *دیوان نظام هروی*. نسخه خطی محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۲۱۹۰. تاریخ کتابت ۹۰۷ قمری. ۲۱۱ صفحه.
- ۱۵- نظامی، نظام‌الدین عبدالواسع. (۱۳۵۷). *منشاء الانشاء*. تألیف شهاب‌الدین احمد خوافی. تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ. تهران: دانشگاه ملی.
- ۱۶- نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*. تهران: فروغی.
- ۱۷- نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۶۳). *تذکره مجالس النفایس*. ترجمه فخری هروی و شاه

محمد قزوینی. به سعی علی اصغر حکمت. تهران: کتاب‌فروشی منوچهری.

۱۸- واصفی، زین‌الدین محمود. (۱۳۴۹). **بدایع الوقایع**. مصحح الکساندر بلدروف. تهران:

بنیاد فرهنگ ایران.

- پیوست:

تصاویری از نسخه:

ورق ۹۸۶۷



